

واکاوی حقوقی حق تصرف زوجه در نفقه

(تاریخ دریافت ۱۳۹۹/۰۹/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۰/۰۳/۲۸)

آزیتا محمدی

چکیده

طبق ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی نفقه شامل همه نیازهای متعارف و متناسب با وضعیت زن می شود مثل مسکن، پوشاک، غذا، اثاثیه منزل و هزینه های درمان و حتی خادم البته در صورتی که زن عادت به داشتن خادم داشته باشد و یا به واسطه مریضی نیاز به آن داشته باشد. موارد ذکر شده در این ماده حصری نیست و به عنوان مثال ذکر شده است. قاعده کلی این است که حقوق زوجه شامل همه نیازهای متعارف و متناسب با شأن زن است. از ملاک های مهم کارشناس برای تعیین حقوق زوجه نیازهای زوجه و شان او می باشد. نفقه زن برای اعاشه و زندگانی اوست، لذا باید قبل از وقت احتیاج آماده باشد تا زن در موقع لازم بتواند از آن بهره مند گردد. زن در نفقه با توجه به نوع آن گاهی حق تملک دارد و گاهی نیز حق تصرف در آن را دارد. لذا در این مقاله ما در صدد بررسی حق تملک و حق تصرف زوجه در نفقه و همچنین دیگر حقوق مالی زوجه از منظر فقه و حقوق می باشیم.

واژگان کلیدی: حقوق زوجه، نفقه، مهریه، قانون مدنی، وضعیت مالی زوج، مایحتاج

زندگی، حقوق مالی

بخش اول: مفهوم نفقه و ماهیت حق زن بر نفقه

از آنجا که موضوع اصلی این مقاله در رابطه با نفقه می باشد در این بخش که اولین بخش از مقاله است ما به بررسی مفهوم نفقه و سپس به ماهیت حق زن بر آن می پردازیم.

۱- مفهوم نفقه: ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی در تعریف نفقه زوجه می گوید: «نفقه عبارت است از مسکن و البسه و غذا و اثاث البیت که به طور متعارف با وضعیت زن متناسب باشد و خادم در صورت عادت زن به داشتن خادم یا احتیاج او به واسطه مرض یا نقصان اعضاء.» چنانچه ملاحظه می شود، ماده مذکور فقط مسکن و پوشاک و خوراک و اثاث خانه و خدمتگذار را ذکر کرده و از سایر چیزهایی که عرفاً مورد احتیاج زن است، مانند هزینه دارو و درمان و آرایش و شستشو، سخنی نگفته است. اگر ظاهر قانون را ملاک عمل قرار دهیم، باید بگوئیم این گونه هزینه ها، چنانکه گروهی از فقهای امامیه گفته اند، جزء نفقه نیست. لیکن قبول این نظر برخلاف مصلحت خانواده و اجتماع است و با ذوق سلیم و عرف هم سازگار نیست. پس می توان گفت آنچه در ماده ۱۱۰۷ آمده حصری نیست و هر چیزی که بر حسب متعارف مورد احتیاج زن باشد، جزء نفقه است و مرد باید آن را برای زن فراهم کند. از کلمه ی احتیاج که در ذیل ماده بکار رفته است نیز می توان این معنی را استنتاج کرد. بعضی از فقهای بزرگ امامیه، مانند صاحب جواهر و صاحب مسالک، نیز همین نظر را پذیرفته اند. (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۳۱، ۳۳۲؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۱، ۵۳۳) صاحب جواهر بعد از انتقاد از کسانی که نفقه را منحصر به اشیاء معینی دانسته و مخصوصاً هزینه دارو، عطر، سرمه و حمام را استثناء کرده اند، رجوع به عرف را برای تعیین محتوای نفقه مرجح می داند؛ بویژه توضیح می دهد که اگر مبنای نفقه احتیاج زن باشد، استثناء دارو و سایر اشیاء مذکور و جاهت ندارد. به هر حال، در نفقه زن، چنانکه از ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی برمی آید، وضعیت و احتیاجات زن به طور متعارف ملاک عمل است نه وضعیت مرد. پس اگر زن از خانواده متمکنی باشد، شوهر به ناچار باید وسائل زندگی او را، آن چنانکه شان و وضع اجتماعی و خانوادگی او اقتضا می کند، فراهم آورد.

دیوان عالی کشور در رای شماره ۲-۲۳/۹۲ این نظر به شرح زیر تایید کرده است:

«ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی کیفیت نفقه را که بر عهده شوهر است به طریق متناسب با وضعیت زن مقرر داشته و در صورت عادت داشتن زن به داشتن خادم یا احتیاج به هزینه بیشتر برای مسکن و غذا، در این صورت حق مطالبه آن را از شوهر خواهد داشت.» (امامی، ۱۳۸۰، ۱۳۶-۱۳۷)

۲- ماهیت حق زن بر نفقه: مقصود از ماهیت و طبیعت حق زن بر نفقه آن است که بینیم آیا زن آنچه را که شوهر به عنوان نفقه به او می‌دهد مالک می‌شود یا فقط اذن در انتفاع به زن داده شده و او می‌تواند از آن استفاده کند. اگر زن مالک چیزی باشد که به عنوان نفقه دریافت کرده، می‌تواند در آن تصرفات مالکانه انجام دهد، چنانکه آن را بفروشد یا ببخشد؛ ولی اگر اذن در انتفاع به او داده شده باشد، بدون اجازه صاحب مال حق اینگونه تصرفات را نخواهد داشت. برای تشخیص طبیعت حق زن بر نفقه باید به اراده شوهر و عرف و عادت که مفسر اراده است رجوع کرد و نیز فقه اسلامی که چه بسا منطبق با عرف و عادت است می‌تواند ما را در این خصوص یاری دهد. (امامی، ۱۳۸۰، ۱۳۷)

بخش دوم: حق زوجه در اموال مصرفی و غیر مصرفی

برای تشخیص طبیعت حق زن بر نفقه باید بین اموال مصرف شدنی که با انتفاع از آنها عین نابود می‌شود و اموال دیگر فرق گذاشت.

۱- حق زوجه در اموال مصرفی: درمورد اموال مصرف شدنی همچون خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها، عطر و صابون، با توجه به اراده شوهر و عرف و عادت و عقیده فقهای امامیه، می‌توان زن را مالک آنها تلقی کرد. پس اگر زن صرفه‌جویی کرده و قسمتی از این اموال را نگاهداشته باشد، می‌تواند هر گونه تصرفی در آن بنماید. (امامی، ۱۳۸۰، ۱۳۷)

۲- حق زوجه در اموال غیر مصرفی: اموالی که با انتفاع از آنها عین نابود نمی شود، مانند مسکن، اثاث خانه، لباس، کفش و غیر آن، همه این اموال از نظر عرف و عادت و اراده شوهر یکسان نیستند. (امامی، ۱۳۸۰، ۱۳۸)

۳- انفاق به زوجه تملیک یا امتناع: در مورد مسکن و اثاث خانه معمولاً شوهر فقط اذن انتفاع از آنها را به زن می دهد و به اصطلاح فقهای امامیه، مقصود امتناع است نه تملیک؛ پس این اموال به ملکیت زن در نمی آید. از این رو شوهر هر لحظه می تواند آنها را بفروشد یا به اموال دیگری تبدیل کند. در مورد لباس و کفش و امثال آن، فقهای امامیه اختلاف نظر دارند. بعضی گفته اند: شوهر این اموال را برای انتفاع در اختیار زن می گذارد و زن مالک آنها نمی شود، زیرا شوهر قصد تملیک آنها را به زن نداشته است و اصل هم عدم تملک زن نسبت به آنهاست. به علاوه با اذن در انتفاع مقصود از انفاق که رفع احتیاج زن است حاصل می گردد و نیازی به تملک زن نیست. مع هذا به نظر میرسد که در عصر ما، به موجب عرف و عادت، دادن اینگونه اموال به زن ظاهر در تملیک است. اراده شوهر بر حسب متعارف این است که می خواهد این اشیاء را به زن خود تملیک کند، نه آنکه مالکیت آنها را برای خود حفظ نماید و فقط اذن انتفاع به زن دهد، مگر اینکه شوهر صریحاً قصد خود را بر عدم تملیک اعلام دارد، یا از قرائنی عدم تملیک استفاده شود، یا عرف محل از آن حکایت داشته باشد. زوجه مالک نفقه است، بنابراین چنانچه مثلاً شوهر یکجا نفقه یک هفته را به زن تسلیم نماید و زن با تامین هزینه های روزانه از طریق دیگر و یا قناعت و صرفه جویی مبلغی را پس انداز کند، شوهر نمی تواند مبلغ مزبور را استرداد نماید. اما اگر قبل از پایان هفته ناشزه گردد نسبت به ایام نشوز باید نفقه را مسترد دارد. پوشاک زن جز نفقه می باشد. شوهر می بایست چه با لباسی از مال خودش و چه با لباس استیجاری یا استیجاری، آن را تامین نماید. نباید چنین پنداشت که لباس همانند طعام است که در ملکیت زن در آید و لذا بعد از وفات زوجه چنانچه هنوز باقی باشد، از اموال شوهر محسوب است. (اصفهانی، بی تا، ج ۲، ۲۷۶) باید اضافه کرد که اگر زن مالک این اشیاء گردد نمی تواند به طور غیر متعارف و به زیان شوهر در آنها تصرف کند، چنانکه جامه ای را

که شوهر تازه برای او خریده است به دیگری ببخشد یا عمداً آن را پاره کند. تصرفات زن در اموالی که به عنوان نفقه تملک کند، هر گاه بر خلاف متعارف و به زیان شوهر باشد، سوء استفاده از حق تلقی می‌شود که ممنوع و موجب مسئولیت مدنی است. (امامی، ۱۳۸۰، ۱۳۷-۱۳۸)

۴- دلایل وجوب انفاق در فقه امامیه: مشهور فقها بر آنند که تامین آنچه زن برای ادامه زندگی به طور متعارف نیاز دارد، براساس ادله‌ی چهارگانه استنباط احکام در فقه امامیه بر عهده زوج است؛ این دلایل عبارتند از:

الف- آیات

بعضی از آیات قرآن به صراحت دلالت بر وجوب انفاق دارند و برخی دیگر به کمک روایات بر این مسئله دلالت می‌کنند:

۱- آیه‌ی ۲۲۹ سوره بقره «فامساک بمعروف او تسریح باحسان» در آیه‌ی فوق خداوند دو راه حل برای مردان پیشنهاد می‌کند. یا زنان را به نیکی نگاه دارند یا به خوشی رها سازند. نگاه داشتن به نیکی مستلزم پرداختن هزینه‌های زندگی آنان است و رها کردن به خوشی نیز مستلزم حمایت مادی از آنان در موارد خاصی می‌باشد. امام صادق (ع) می‌فرماید: «امساک بمعروف» به معنای اذیت نکردن زنان و پرداخت نفقه‌ی ایشان می‌باشد. (عاملی، ۱۳۹۹، ۲۶۶)

۲- آیه‌ی ۳۴ سوره نساء «الرجال قوامون على النساء بما فضل الله بعضهم على بعض و بما انفقوا من اموالهم». قرآن کریم در این آیه به دو سبب «فضل الله بعضهم على بعض» و «بما انفقوا» زوج را سرپرست زن و فرزند معرفی می‌کند که به دلیل عبارت «بما انفقوا» فقها نفقه دادن را بر مرد واجب دانسته‌اند. (نجفی، ۱۳۶۶ ش، ج ۳۱، ۳۰۲) علامه طباطبایی «قیم» را به «القیم هو الذی يقوم بامر غیره» معنا می‌کند: قیم کسی است که عهده‌دار مخارج دیگری شود و به وی انفاق

کند. منظور از «بما انفقوا» در آیه شریفه، انفاق در مهر همسران و نفقه‌ی آنان است. (طباطبایی، ۱۴۰۳ق، ج ۴، ۳۴۳)

۳-آیه‌ی ۶ سوره‌ی طلاق: «اسکنوهن من حیث سکنتم من وجدکم و لا تضاروهن لتضيقوا علیهن.» آیه‌ی فوق به وجوب نفقه برای مطلقه‌ی حامله تصریح می‌کند. وقتی چنین مطلقه‌ای مستحق نفقه باشد، از فحوا‌ی کلام به دست می‌آید که همسری که هنوز در علقه‌ی زناشویی به سر میرسد و عضو کانون خانواده محسوب می‌شود، به طریق اولی مستحق نفقه خواهد بود. (بدران، بی‌تا، ج ۲۳۳، ۱)

۴-آیه‌ی ۷ سوره‌ی طلاق: «لینفق ذو سعة و من قدر علیه رزقه فلینفق مما اتاه الله.» بر طبق آیه مرد ثروتمند باید مطابق وسعش انفاق کند و تنگ دست به قدر کفایت، رزق و روزی همسرش را بدهد و اگر از این تکلیف سر باز زند، حکم بین آنها جدایی است. در روایتی از امام صادق (ع) آمده است: «چنانچه مرد به همسرش انفاق نکند و خوراک و پوشاک لازم و مورد احتیاج وی را فراهم نگرداند، بین آنها جدایی انداخته می‌شود.» (عاملی، ۱۳۹۹ق، ج ۱۵، ۳۲۳)

۵-آیه‌ی ۱۹ سوره‌ی نساء: «و عاشروهن بالمعروف.» در این آیه مردان توصیه به عدل و انصاف و معاشرت به معروف و رفتار نیک با همسرانشان شده‌اند. این عدالت و انصاف به معروف با زوجه، ملازم با وجوب نفقه‌ی زن می‌باشد. صاحب جواهر این آیه را از ادله‌ی وجوب نفقه بر مرد دانسته است. (نجفی، ۱۳۶۶ش، ج ۳۱، ۳۰۲)

ب- روایات

روایات متعددی از ائمه‌ی معصومین (ع) دلالت صریح بر وجوب نفقه‌ی زن بر مرد دارد، از آن جمله:

۱- اسحاق بن عمار از امام صادق (ع) پرسید: حق زن بر شوهرش چیست؟ امام (ع) فرمود: «یشبع بطنها و یکسوا جثتها و ان جهلت غفرلها» آن که او را سیر گرداند. پیکرش را بپوشاند و اگر خطایی از او سر زد، بر وی ببخشد. (شیخ صدوق، ۱۴۰۴، ج ۳، ۴۴۰)

۲- در روایتی که ابو بصیر از امام باقر (ع) نقل کرده، امام می‌فرماید: «مردی که همسری دارد و لباسی بر او نپوشاند که او را حفظ کند و طعام و احتیاجات غذایی او را تامین ننماید تا سلامت بماند، امام حق دارد که بین آنها، مرد و زن، جدایی بیندازد.» (عاملی، ۱۳۹۹، ۳۴۵)

این روایات دلالت دارد که هر گاه زوج به دلیلی نتواند یا نخواهد هزینه‌ی معاش همسرش را تامین کند، امام حق دارد زن را طلاق دهد و همچنین این حدیث به صراحت دلیل بر وجوب نفقه زوجه می‌باشد چون از موارد نفقه همین موارد ذکر شده می‌باشد.

۳- از امام علی (ع) روایت شده که فرمود: «مرد ملزم به پرداختن نفقه به همسرش می‌باشد.» (نوری طبرسی، بی‌تا، ج ۱۷، ۱۵)

۴- امام رضا (ع) می‌فرماید: «زن در مورد نیازمندیهایش عائله‌ی مرد محسوب می‌شود و بر مرد واجب است که نفقه او را پردازد؛ ولی بر عهده‌ی زن نیست که شوهر خود را تامین کند یا اگر مرد محتاج و نیازمند شد، نفقه او را پردازد.» (مجلسی، ۱۳۶۳، ج ۶، ۱۰۳)

۵- پیامبر اکرم (ص) به هند (که شوهرش، ابوسفیان، مردی بخیل بود و نفقه‌ی او را پرداخت نمی‌کرد) امر فرمود: «آنچه برای خرجی تو و فرزندت کفایت می‌کند، از مالش بردارد.» (فخرالمحققین، ۱۳۸۹، ج ۲۶۷، ۳) این روایت وجوب نفقه را مسلم می‌نماید؛ زیرا اگر نفقه واجب نبود، زوجه چنین حقی را نداشت تا از مال زوج بدون اذن اخذ نماید؛ زیرا مصداق اکل مال به باطل را پیدا می‌کرد.

۶- روایت عن ابی عبدالله (ع) فی قوله تعالی:

« و من قدر علیه رزقه فلینفق مما آتاه الله، قال: ان انفق علیها ما یقیم ظهرها مع کسوه و الا فوق بینهما » (حر عاملی، ۱۴۱۲، ج ۲۱، ۵۰۹) امام صادق (ع) در تفسیر آیه شریفه می فرماید: «اگر چنانچه زوج بر زوجه انفاق کند به طوری که با آن انفاق زوجه بتواند بر پای خود بایستد و همچنین لباس و پوشاک او را تامین کند فبها و در غیر این صورت بین زوجین باید تفرقه و جدایی افکنده شود و کار را به طلاق بکشانند.» از این روایت نیز به خوبی می توان وجوب نفقه را فهمید؛ زیرا که وجوب نفقه زوجه در روایت آنقدر با اهمیت ذکر شده است که در صورت عدم پرداخت نفقه از طرف زوج، باید بین زوجین طلاق و جدایی ایجاد نمود، پس استقرار و بقاء زوجیت در روایت فوق متفرع بر اداء نفقه از ناحیه زوج عنوان شده است.

۷- پیامبر در خطبه حجه الوداع راجع به حق زن بر شوهر فرمودند: «فعلیکم رزقهن و کسوتهن بالمعروف» پس بر شما باد خوراک و پوشاک زنانان با نیکی و شایستگی. (حر عاملی، ۱۴۱۲، ج ۱۵، ۲۳۰؛ کلینی، ۱۴۰۷، ج ۷، ۲۲۰) در روایت فوق علاوه بر وجوب اصل نفقه (پوشاک و خوراک)، به خوب بودن و شایسته بودن آنها نیز تکلیف شده است.

۸- امام صادق (ع) از پیامبر (ص) نقل می کند که آن حضرت فرمودند: «ملعون ملعون من ضیع من یعول» مورد لعن و نفرین و ملعون است کسی که خانواده و عائله خویش را ضایع کند. (حر عاملی، ۱۴۱۲، ج ۱۵، ۲۵۱) یعنی حقوق خانواده را تضییع نموده و هزینه های زندگی آنها را تامین ننماید.

بخش سوم: حق تصرف زوجه در نفقه

اصل اولی عقلی، عدم سلطه انسانی بر انسان دیگر است و اصل فراگیر معاملاتی یا همان قاعده-ی کلی شرعی در فقه المعاملات، غیر جنسیتی بودن احکام مترتب بر روابط دو طرف عقد یا قرار یک جانبه ای چون ایقاع است، شایان ذکر است بگوییم مطابق روایات متعدد، تصرف زن در برخی موارد بر اذن شوهر متوقف دانسته شده است. موارد یاد شده معمولاً یا همچون عتق و تدبیر، نذر و قسم، به حسب ماهیت ایقاعی شان ملحق به ایقاع اند. در این میان حسب مدلول

بعضی روایات، فقط هبه غیر معوض است که در آن در کنار اراده‌ی زن به عنوان زوجه، اجازه شوهر نیز دخالت داده شده است. با این حال فقیه اخباری چون شیخ حر عاملی در مقام جمع روایات متعددی که در این باره وارد شده است، کسب اذن شوهر از سوی زن در موارد یاد شده را بر استحباب حمل کرده است، نه وجوب. (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۳، ۳۲۳) همه مراجع محترم تقلید معتقدند که زن می‌تواند هر گونه تصرفی در اموال خود انجام دهد و اجازه شوهر لازم نیست، هر چند اجازه بگیرد بهتر است. (امام خمینی (ره)، بی‌تا، ج ۲، ۶۱۱) گفتنی است که، برخی از فقها در این زمینه، مسئله نذر را استثنا می‌کنند؛ به این بیان که نذر زن بی‌اجازه شوهرش باطل است و بعضی صدقات و خیرات را نیز مانند نذر می‌دانند. (گلپایگانی، بی‌تا، ج ۳، ۳۴) در زیر نظریات فقهای مختلف را در مورد حق تصرف زن در نذر، صدقه و هدایای پرداختی را بیان می‌نمایم.

۱- نذر، صدقه و هدایای پرداختی از نفقه توسط زوجه: یکی از مسائل مورد ابتلا در خصوص نذر به نذر زن بدون اجازه شوهر مربوط می‌شود. اتفاقاً بیشتر نذرها هم اغلب از سوی خانم‌ها صورت می‌گیرد لذا دانستن پاسخ این سوال بسیار مهم است. البته این مسئله چند صورت دارد:

۱- نذر زن بدون اجازه شوهر که با حقوق شوهر منافات داشته باشد.

۲- نذری که با حقوق شوهر منافات داشته باشد.

۳- اگر زن بدون اجازه شوهر نذر کند و شوهر بعداً اجازه دهد.

۴- اینکه زن از مال خودش نذر کند.

مورد اول بلا شک بنابر نظر همه‌ی فقها جایز نیست.

اما در خصوص موارد بعدی فتاوی مراجع اختلاف زیادی با هم دارند لذا در زیر به برخی از فتاوا اشاره شده است:

امام خمینی (ره):

-نذر زن بدون اجازه شوهر باطل است هر چند عمل نذر منافات با حق شوهر نداشته باشد.

-اجازه بعدی آن را تصحیح نمی کند بلکه ظاهرا انعقاد (صحیح بودن) آن مشروط به اذن شوهر می باشد.

-نذر زوجه اگر چه تعلق به مال خودش باشد، صحیح نیست. (خمینی، بی تا، ج ۲، ۱۱۷)

آیت الله خامنه ای (دام ظلّه):

-انعقاد نذر زوجه در صورت حضور شوهر، بنابر احتیاط واجب مشروط به اجازه زوج است.

-اجازه بعدی، مصحح نذر مذکور نمی باشد.

-اگر چه زوجه از تصرف در مال خود ممنوع نیست (و می تواند هر طور بخواهد از مالش استفاده کند) ولی نذر زن بدون اجازه شوهر اساسا منعقد نمی شود. (استفتائات موجود در واحد پاسخ به سوالات جامعه الزهراء قم)

آیت الله بهجت (ره):

-نذر زن بدون اجازه شوهر بنابر احتیاط واجب وضعاً منعقد می شود (یعنی نذر زن باطل نیست) ولی بنابر احتیاط، تکلیفاً باید از شوهر اجازه بگیرد. (یعنی نذر باطل نیست ولی برای اجرای این تکلیف شرعی نیاز به اجازه شوهر دارد).

- (در خصوص نذر با اجازه بعدی شوهر) نذر ولو بدون اجازه منعقد می شود.

- بنابر احتیاط از حیث حکم وضعی نذر منعقد می شود گرچه اجازه گرفتن از همسر بنابر احتیاط تکلیفاً لازم است. (بهجت، ۱۳۸۶، ج ۴، ۲۸۶)

آیت الله تبریزی (دام ظلّه):

- زن در صورتی که وفاء به نذرش منافعی با حق شوهر باشد نمی‌تواند نذر کند و اگر منافعی با حق شوهر نباشد اجازه شوهر لازم نیست.

- اجازه بعدی تصحیح می‌کند.

- در صورتی نذر زن از مال خودش صحیح است که منافات با حق شوهر نداشته باشد. (تبریزی، ۱۳۷۳، ج ۲، ۴۰۶)

آیت الله اراکی (ره):

- نذر زن بی‌اجازه شوهرش باطل است.

- تصحیح نمی‌کند.

- احوط (احتیاط واجب) مراعات اذن (اجازه) شوهر است ولو در مال خویش. (اراکی، ۱۳۷۲، ۴۹۶)

آیت الله خویی (ره):

- نذر زن بدون اذن شوهر اشکال ندارد مخصوصاً اگر نذر در غیر مال باشد اما اگر نذر زن منافعی با حق شوهر باشد اجازه لازم است.

- تصحیح نمی‌کند.

- در صورتی نذر زن از مال خودش صحیح است که با حق شوهر منافات نداشته باشد. (خویی، ۱۴۲۲هـ، ق، ۴۸۱)

آیت الله سیستانی (دام ظلّه):

-صحیح است مگر اینکه نذر مربوط به امور مالی باشد که در این صورت بدون اذن یا اجازه او صحت آن محل اشکال است و از باب احتیاط باید به آن وفا بشود.

-کفایت می کند.

-مورد اشکال همین است و اما اگر مربوط به مال نباشد اشکالی ندارد و اگر مربوط به مال شوهر باشد باطل است. (استفتائات موجود در واحد پاسخ به سوالات جامعه زهرا قم)

آیت الله صافی گلپایگانی (دام ظلّه):

-اگر زن بدون اجازه شوهر نذر کند، نذر او باطل است.

-اجازه بعد از نذر موجب صحت نذر نمی شود.

-نذر زن از مال خودش بدون اجازه شوهر صحیح نیست. (صافی گلپایگانی، ۱۳۷۷، ۵۳۹)

آیت الله شبیری زنجانی (دام ظلّه):

-بنابر مشهور نذر زن با نهی شوهر بلکه بی اذن او صحیح نیست.

-ظاهراً با اجازه بعدی صحیح می شود ولی بنابر احتیاط حتی در صورت نهی شوهر به نذر عمل شود.

-لازم است. (شبیری زنجانی، ۱۳۸۳، ج ۲، ۲۷۴)

آیت الله فاضل لنکرانی (ره):

-خیر نذر صحیح نیست.

-خیر اجازه بعدی کفایت نمی کند.

-بلی. (فاضل لنکرانی، ۱۳۷۸، ج ۱، ۳۴۸)

سوال: آیا نذر زن باید با اجازه شوهر باشد؟

نذر زن اگر مزاحم حقوق شوهر باشد بی اجازه او باطل است و اگر مزاحم نباشد احتیاط واجب آن است که با اجازه او باشد خصوصا در نذر مال گرچه مال متعلق به خود زن باشد. (فاضل لنکرانی، ۱۳۷۸، ج ۱، ۳۴۸)

آیت الله گلپایگانی (ره):

۱- اگر شوهر از نذر زن جلوگیری کند یا زن بدون اجازه او نذر کند نذر او باطل است هر چند عمل به آن مانع از حق استمتاع نباشد.

نذر زن بدون اجازه او صحیح نیست هر چند در مال خودش باشد. (گلپایگانی، ۱۳۷۲، ۴۵۲)

آیت الله مکارم شیرازی (دام ظلّه):

نذر زن اگر مزاحم شوهر باشد بی اجازه او باطل است و اگر مزاحم نباشد احتیاط مستحب آن است که با اجازه او باشد.

-موجب صحت نذر نمی شود.

نذر زن از اموال خودش اگر منافات با حق شوهر نداشته باشد اشکالی ندارد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۶ ه.ق، ۴۵۲)

آیت الله نوری همدانی (دام ظلّه):

-در صورتی که مزاحم حق شوهر باشد بی اجازه او باطل است.

اگر با حق شوهر منافات نداشته باشد اذن شوهر لازم نیست و در آنچه که منافی است اذن بعدی شوهر موثر نیست.

اگر مزاحم حقوق شوهر نباشد و از مال خودش باشد احتیاج به اجازه شوهر ندارد. (نوری همدانی، ۱۳۷۵، ۵۲۶)

آیت الله وحید خراسانی (دام ظلّه):

اگر نذر زن منافی با حق شوهر باشد نذر باطل است.

-تصحیح می کند.

صحت نذر زن در مال خودش بدون اذن شوهر (در غیر حج یا زکات یا احسان به پدر و مادر و صله رحم) محل اشکال است. (یعنی بنابر احتیاط واجب صحیح نیست.) (وحید خراسانی، ۱۳۸۵، ۳۶۱)

امام خمینی (ره) می فرماید: «چنانچه تردید شود که عقد زوجه بدون اذن شوهرش صحیح است یا خیر؛ مرجع رفع این تردید و احراز بی نیازی نسبت به اذن زوج، اطلاق ادله عامه ای همچون (اوفوا بالعقود) است.» (امام خمینی (ره)، ۱۴۱۰ ه.ق، ج ۲، ۱۹۷) بر این اساس بسیار روشن است که رعایت نکردن خواسته شوهر و عدم جلب رضایت او در این موارد، فاقد اثر وضعی در تصرفات مالکانه زن است و بر اصل استقلال مالکیت زن نسبت به آنچه بدون اذن شوهر کسب کرده است، تاثیری ندارد و حتی فی حد نفسه باعث ناشزه شدن زوجه نیز نمی شود.

نتیجه گیری

طبق مواد قانون مدنی، زن و مرد از اهلیت تمتع برخوردار است و می تواند مالک مال شود و حق هر گونه تصرفی در اموال خود دارد، مگر اینکه منع قانونی داشته باشد. در فقه اسلامی و حقوق ایران زن دارایی مستقل دارد و این دارایی ملک طلق او محسوب می شود. زوجه در

اکتساب و تصرف این اموال استقلال کامل دارد و هیچ کس حق هیچ گونه تعرضی نسبت به اموال زوجه ندارد. قانون ایران برای زن اموالی در نظر گرفته، از جمله این اموال به مهریه، نفقه، جهیزیه، ارث، درآمد حاصل از کسب و کار و ... می‌توان اشاره کرد. مهریه از جمله منابع مالی است که برای زوجه در نظر گرفته شده است. زوجه به مجرد عقد مالک مهر می‌شود و می‌تواند در مهر تصرف کند ولی مالکیت او نسبت به نیمی از مهر متزلزل است که پس از رابطه خاص زناشویی مستقر و ثابت می‌شود. بنابراین نفقه دومین منبع مالی برای زوجه است. زن در نفقه با توجه به نوع آن (مصرفی و غیر مصرفی) گاهی حق تملک دارد و گاهی نیز حق تصرف دارد. در مورد اموال مصرفی مانند خوراکیها و آشامیدنیها و عطر و ... به عقیده فقهای امامیه و عرف و عادت می‌توان زن را مالک آنها تلقی کرد و در مورد اموال غیر مصرفی مانند مسکن که با انتفاع از آنها عین نابود نمی‌شود، زوجه مالک این اموال نمی‌شود و شوهر فقط اذن انتفاع از آنها را به زن می‌دهد ولی در مورد دیگر اموال غیر مصرفی مانند لباس و کفش، فقهای امامیه اختلاف نظر دارند، بعضی گفته‌اند شوهر این اموال را برای انتفاع در اختیار زن قرار داده و زوجه مالک این اموال نمی‌شود و با اذن در انتفاع، مقصود از اتفاق که رفع احتیاج زن است حاصل می‌گردد و نیازی به تملک زن نیست. ولی در عصر ما به نظر می‌رسد به موجب عرف و عادت اینگونه اموال به زن تملیک می‌گردد مگر اینکه شوهر صریحاً قصد خود را بر عدم تملیک این اموال به زن اعلام دارد. در مورد تصرف زن در نفقه، همه مراجع تقلید معتقدند که زن می‌تواند هر گونه تصرفی در اموال خود انجام دهد و اجازه شوهر لازم نیست اما برخی از فقها در این زمینه؛ مسئله نذر را استثنا می‌کنند، به این صورت که نذر زن بی‌اجازه شوهر باطل است و بعضی صدقات و خیرات را نیز مانند نذر می‌دانند. در مورد جهیزیه می‌توان گفت در قانون مدنی تعریفی از جهیزیه و ماهیت حقوقی آن نیامده است. یکی از اشکالات وارده به این قانون نیز، سکوت قانونگذار در این باره و مسکوت گذاشتن این موضوع چالش برانگیز بین خانواده‌ها و مردان و زنان در دعاوی خانوادگی می‌باشد. جهیزیه ملک زن محسوب می‌شود و حق تصرف در آن را دارد. اما گاهی در مورد مالکیت جهیزیه بین زن و شوهر اختلاف می‌شود و نیاز به اثبات دارد. در این خصوص می‌توان از عرف و عادت، اماره تصرف و چگونگی

استعمال عرفی آن برای احراز تصرف و استعمال یکی از طرفین در مورد مالکیت جهیزیه سود برد. در مورد اموال اکتسابی زوجه، می توان گفت که اسلام هر یک از زن و مرد را مالک درآمد خویش محسوب کرده است و زنان همچون مردان حق مالکیت بر اموالشان را دارند و برای اثبات این ادعا آیات متعددی در این خصوص وجود دارد. از دیگر حقوق مالی زوجه می توان به ارث و دیه اشاره کرد. اسلام برای زن نیز همانند مرد سهم مشخصی از ارث و دیه قائل است و خداوند در قرآن زن را در کنار مرد و همانند او ذیحق در دریافت ارث معرفی کرد و استقلال او را نشان داد و زن در سهم خود حق تملک و تصرف دارد. از جمله آثار مالی انحلال نکاح که می تواند منجر شود زوجه بعد از انحلال نکاح نیز حقوق مالی دریافت کند و مالک آن شود، می توان به تنصیف اموال اکتسابی زوج، اجرت المثل و نخله اشاره کرد و شرط تنصیف اموال اکتسابی زوج، مندرج در بند الف از شرایط ضمن عقد در نکاح نامه و اجرت المثل و نخله که در تبصره ی ۶ ماده واحده قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق آمده است؛ گرچه جهت حمایت از حقوق زنان در نظر گرفته شده است ولی به گونه ای است که مشکلاتی برای زنان ایجاد می کند و نیاز به اصلاحاتی دارد. در خصوص حمایت های مالی که قانون بعد از طلاق برای زوجه در نظر گرفته است می توان گفت تنها نخله است که هنوز هم در برخی موارد لازم الاجراست.

منابع و مأخذ

قرآن کریم و بعد

الف) عربی

- ١- اردبیلی، احمد بن محمد، زبدة البیان فی أحكام القرآن، انتشارات المكتبة الجعفریة لإحياء الآثار الجعفریة، تهران، چاپ اول ١٤٠٣ هـ ق
- ٢- اردبیلی، احمد بن محمد، مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسين حوزه علمیه قم، قم - ایران، چاپ اول، ١٤٠٣ هـ ق
- ٣- حکیم، سید محسن، منهاج الصالحین، انتشارات لطفی، چاپ چهارم، تهران، ١٣٥٣
- ٤- حلی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، انتشارات مجمع البحوث الإسلامیة، مشهد - ایران، چاپ اول، ١٤١٢ هـ ق
- ٥- حر عاملی، محمد حسن، وسائل الشیعه، انتشارات دار احیاء التراث العربی، بیروت
- ٦- حلی، جمال الدین، احمد بن محمد اسدی، المذهب البارع فی شرح المختصر النافع، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسين حوزه علمیه قم، چاپ اول، ١٤٠٧ هـ ق
- ٧- حلی، فخر المحققین، محمد بن حسن بن یوسف، إیضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد، مؤسسه اسماعیلیان، قم - چاپ اول، ١٣٨٧ هـ ق
- ٨- خوئی، ابولقاسم، مصباح الفقاهه، انتشارات دارالهادی، چاپ اول، ١٤١٢ ق
- ٩- دزفولی، مرتضی بن محمد امین انصاری، کتاب المکاسب (للشیخ الأنصاری، ط - الحدیث)، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، قم، چاپ اول، ١٤١٥ هـ ق ٢٦،

- ۱۰- صیمری، مفلح بن حسن (حسین)، تلخیص الخلاف و خلاصه الاختلاف - منتخب الخلاف، انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی - ره، قم، چاپ اول، ۱۴۰۸ هـ ق
- ۱۱- عاملی، کرکی، محقق ثانی، علی بن حسین، جامع المقاصد فی شرح القواعد، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم چاپ دوم، ۱۴۱۴ هـ ق
- ۱۲- عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة (المحشی - کلاتر)، کتابفروشی داورى، قم، چاپ اول، ۱۴۱۰ هـ ق
- ۱۳- عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی، مسالك الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام، ۱۵ جلد، مؤسسه المعارف الإسلامیة، قم - ایران، اول، ۱۴۱۳ هـ ق
- ۱۴- کلینی، ابو جعفر، محمد بن یعقوب، الکافی (ط - دار الحديث)، دار الحديث للطباعة و النشر، قم، چاپ اول، ۱۴۲۹ هـ ق
- ۱۵- نجفی، صاحب الجواهر، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، دار إحياء التراث العربی، بیروت - لبنان، چاپ هفتم، ۱۴۰۴ هـ ق
- ۱۶- یزدی طباطبایی، محمد کاظم: عروة الوثقی، ۲ جلدی، انتشارات المكتبة العلمیه الاسلامیه، بی تا

(ب) فارسی

- ۱۷- امامی، سید حسن، حقوق مدنی (امامی)، انتشارات اسلامیة، تهران
- ۱۸- تبریزی، جعفری، محمد تقی، رسایل فقهی (علامه جعفری)، انتشارات منشورات کرامت، تهران - ایران، اول، ۱۴۱۹

- ۱۹- ایمانی، باران، کتاب طلایی: حقوق مدنی ۲ (اموال و مالکیت)، انتشارات طلایی پویندگان دانشگاه، ۱۳۹۱ چاپ اول
- ۲۰- جمالی زاده، احمد، بررسی فقهی عقد بیمه، قم، انتشارات بوستان کتاب (دفتر تبلیغات اسلامی)، اول، ۱۳۷۹
- ۲۱- جرجانی، سید امیر ابو الفتح حسینی، تفسیر شاهی، انتشارات نوید، تهران، چاپ اول، ۱۴۰۴ هـ ق
- ۲۲- جمالی زاده، احمد، نظری فقهی به مساله بیمه، مجله علوم انسانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، شماره ۱
- ۲۳- حلی، مقداد بن عبد الله سیوری - مترجم: بخشایشی، عبد الرحیم عقیقی، کنز العرفان فی فقه القرآن - پاساژ قدس، قم - چاپ اول، هـ ق
- ۲۴- خمینی، سید روح الله موسوی - مترجم: اسلامی، علی، تحریر الوسیله - ترجمه، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، ۲۱، ۱۴۲۵ هـ ق
- ۲۵- خمینی، روح الله موسوی، توضیح المسایل (محشی - امام خمینی)، ۲، جلد دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم چاپ هشتم، ۱۴۲۴ هـ ق
- ۲۶- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه چاپ اول از دور جدید، دانشگاه تهران، تهران ۱۳۷۲ ش